

یادداشت

اعتمادسوزی در روزهای تهدید

این رفتارها نااطمینانی را تشدید می‌کند و فشار بیشتری بر تولید و معیشت وارد می‌سازد. هر تصمیم اعتمادسوز، هزینه‌ای اقتصادی را به کشور تحمیل می‌کند.

با این معیار باید از خود پرسیم در ماه‌های اخیر برای حفظ اعتماد عمومی چه کرده‌ایم؟
در حالی که کشور با تهدیدهای جدی روبه‌روست، منازعات بیهوده و بی‌حاصل سیاسی همچنان ادامه دارد. یک روز استیضاح وزیری مطرح می‌شود، روز دیگر اتهامی از تریبونی رسمی شنیده می‌شود و پیش از روشن‌شدن نتیجه، جنجال تازه‌ای آغاز می‌شود. ماه‌ها درباره تراستی‌ها، پول نفت و بازگشت منابع ارزی بحث می‌شود، بی‌آنکه افکار عمومی تصویری روشن از سرانجام این ادعاها داشته باشد. انباشت پرونده‌های بلاتکلیف، اعتبار نهادهای مسئول را فرسوده می‌کند. در همین شرایط، استمرار فیلترینگ، ابهام درباره فعالیت‌های مدنی، پیگیری طرح‌های بحث‌برانگیزی مانند مقابله با نفوذ و بازتولید اختلافات سیاسی در برخی برنامه‌های رسانه‌ای، بر نگرانی‌های جامعه می‌افزاید. مردم حق دارند پرسند در روزهای که امنیت و معیشت کشور با چنین تهدیدهایی مواجه است، اولویت تصمیم‌گیران چیست و این مباحث چه گرهی از زندگی آنان باز می‌کند؟

رسیدگی به فساد، نظارت بر دولت و تأمین امنیت کشور وظایف ضروری نهادهای مسئول است. انجام این وظایف باید با رعایت حقوق مردم، ارائه مستندات و اعلام نتایج قابل ارزیابی همراه باشد. ما در مجلس نیز مسئولیت داریم درباره اولویت‌ها و پیامدهای تصمیم‌های خود پاسخ‌گو باشیم. هر استیضاح و هر طرح باید با توجه به ضرورت آن، ظرفیت اجرایی کشور و آثارش بر ثبات مدیریت بررسی شود. زمان و توان نهادهای تصمیم‌گیر در این شرایط از ارزشمندترین منابع کشور است.

اکنون باید به مردم بازگردیم. بازگشت به مردم ضرورتی حیاتی برای تقویت تاب‌آوری ملی است. این بازگشت از شنیدن صدای جامعه، پذیرش نقدها، احترام به حقوق شهروندی، شفافیت تصمیم‌ها و تعیین تکلیف مناقشات فرساینده آغاز می‌شود. مردم باید در عملکرد مسئولان ببینند که نگرانی‌هایشان جدی گرفته می‌شود و حفظ اعتماد آنان در اولویت قرار دارد. کشور به تصمیم‌هایی نیاز دارد که زندگی مردم را قابل پیش‌بینی‌تر کند، از اشتغال و تولید حفاظت کند و امکان مشارکت اجتماعی را گسترش دهد. فردای ایران به میزان توانی وابسته است که امروز در جامعه حفظ می‌کنیم. اعتماد، ذخیره روزهای سخت یک ملت است. اگر امروز آن را فرسوده کنیم، فردا با چه پشتوانه‌ای از مردم تاب‌آوری بیشتری بخواهیم؟

سیاست بی‌سررسید

تخریب تأسیسات، خسارت مستقیم جنگ است؛ محدودیت انتقال پول و حمل کالا، مانعی واقعی در تجارت است و فرسودگی زیرساخت و تصمیم‌های ناپایدار داخلی نیز هزینه‌های جداگانه دارد. نااطمینانی می‌تواند بر این مشکلات بیفزاید، اما سهم آن بدون بررسی مستقل معلوم نمی‌شود. گزارش اخیر رویترز از ادامه صادرات محدود برخی فراورده‌های ایران، با وجود محاصره دریایی آمریکا، همین تفاوت را یادآور می‌شود؛ بخشی از سننله، محدودیت بافعل و بخشی دیگر، نامعلوم‌بودن دوام و دامنه آن است.

بنگاه در انتظار فردا

در گزارش شهرویر اتاق ایران، شاخص مدیران خرید کل اقتصاد پس از تعدیل فصلی، ۴۶/۲ اعلام شده که هجدهمین ماه متوالی زیر مرز خنثای ۵۰ است. این عدد، درصد کاهش تولید با اندازه خسارت کشور نیست، برآیند ارزیابی مدیران از تغییر وضعیت فعالیت است. همان جدول، عبور شاخص فروش از مرز ۵۰ را هم نشان می‌دهد. بنابراین تصویر، یکدست نیست؛ اما به‌بهود که مؤلفه نیز برای اعلام بازگشت رونق فعالیت نمی‌کند. اهمیت گزارش در آشکارکردن دشواری برنامه‌ریزی و نه استخراج حکمی قطعی درباره آینده است. وقتی زمان رسیدن مواد اولیه یا امکان ایفای تعهد روشن نباشد، یک بنگاه ممکن است مدت قرارداد را کوتاه کند، استخدام را عقب بیندازد یا سرمایه‌گذاری را متوقف سازد. اینها سازوکارهای محتمل، نه گزارش رفتار همه بنگاه‌هاست. انتظار برای روشن‌شدن اوضاع گاهی تصمیمی عقلانی برای صاحب کسب‌وکار است، اما جمع همین تصمیم‌ها می‌تواند ظرفیت تولید کشور را آینده‌کشور کند. کارخانهای که امروز توسعه نمی‌یابد، فقط خرید ماشین‌آلات را عقب بینداخته؛ ممکن است فرصت آموزش کارگر، یافتن مشتری و تثبیت بازار را نیز از دست بدهد.

سهم نابرابر از انتظار

همه به یک اندازه تاب‌آوری ندارند. خانواری با درآمد ثابت و پس‌انداز محدود، برای جبران افزایش هزینه‌ها انتخاب‌های کمتری دارد. صاحب دارایی نقدشونده یا بنگاهی با دسترسی بهتر به اعتبار و اطلاعات، احتمالاً امکان بیشتری برای تنظیم تصمیم‌ها خواهد داشت. این تفاوت، به‌خودی‌خود اثبات سوءاستفاده هیچ گروهی نیست؛ بلکه بیان نابرابری در ابزارهای محافظت از زندگی است. سیاست عمومی باید همین تفاوت را ببیند، زیرا توصیه یکسان به تحمل، بر دوش‌های نابرابر می‌نشیند و می‌تواند شکاف موجود را عمیق‌تر کند. در این وضعیت، حمایت از مردم را نمی‌توان فقط با اعلام قیمت چند کالا سنجید. دسترسی واقعی، استمرار عرضه، کیفیت و هزینه رسیدن به کالا نیز اهمیت دارد. برای بنگاه کوچک، معلوم‌بودن زمان رسیدگی به درخواست ارز یا پرداخت مطالبات، می‌تواند به اندازه وعده تسهیلات مهم باشد. اگر محدودیت منابع اجازه پاسخ مثبت به همه درخواست‌ها را نمی‌دهد، اعلام ضابطه و موعد پاسخ، خود اقدامی مؤثر است. بی‌خبری، کمبود را برطرف نمی‌کند؛ فقط امکان سازگارشدن با آن را شهروند و تولیدکننده می‌گیرد.

زندگی منتظر نمی‌ماند

نامه یازدهم مهر رئیس انجمن علمی روان‌پزشکان ایران به وزیر بهداشت، نمونه‌ای روشن از این هزینه را پیش چشم می‌گذارد. سیدوحید شریعت بر پایه گزارش‌های دریافتی انجمن، از تشدید کمبود برخی داروهای ضروری و فشار جست‌وجوی دارو بر بیماران و خانواده‌ها نوشته است. همان نامه تصریح می‌کند که مشکل، پیشینه دارد؛ بنابراین نمی‌توان همه آن را به تحولات اخیر نسبت داد. مطالبه بهشتی انجمن، اعلام زمان‌بندی رفع کمبودهاست؛ مطالبه‌ای که نشان می‌دهد اطلاع قابل اتکا، بخشی از پاسخ به بحران است. تعویق در زندگی، همیشه قابل جبران نیست. موعد درمان، فرصت تحصیل، تشکیل خانواده یا آغاز یک شغل، منتظر پایان همه اختلاف‌های سیاسی نمی‌ماند. نمی‌توان بدون پیمایش معتبر گفت چند نفر به دلیل نااطمینانی تصمیم خود را عقب انداخته‌اند؛ اما می‌توان پرسید تصمیم‌گیران چگونه از پیامدها را می‌سنجند. هزینه‌ای که در ترازنامه دستگاه‌ها ثبت نمی‌شود، الزاما ناجیز نیست. از دست‌رفتن یک فرصت آموزشی یا فرسوده‌شدن مهارت، ممکن است سال‌ها بعد در توان تولید و کیفیت خدمات کشور نمایان شود. پیامد ملی این تعویق‌ها فقط کاهش مصرف امروز نیست. وقتی نیروی متخصص نتواند مسیر شغلی خود را پیش‌بینی کند، ممکن است از آموزش، راه‌اندازی فعالیت تازه یا ماندن در یک حرفه منصرف شود. این احتمال را نباید بدون آمار به موج مهاجرت یا خروج قطعی سرمایه ترجمه کرد. پرسش، حفظ ظرفیت انتخاب است؛ آیا سیاست موجود به مردم امکان می‌دهد آینده خود را در داخل کشور تصور کنند؟ پاسخ باید در دسترسی به کار، قواعد پایدار و امکان اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌های عمومی دیده شود، نه صرفا در دعوت به امید.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

کیفیت اینترنت زیر سایه فیلترینگ و عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت قرار گرفته است

کیفیت اینترنت در انتظار بهبودی

رئیس رگولاتوری در اولین نشست خبری خود بعد از دو سال، از پیگیری سند ۳۲ بندی رفع فیلترینگ، بازنگری در تعهدات اپراتورها و ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری گفت اما درباره زمان بهبود ملموس کیفیت اینترنت و تعیین تکلیف تعرفه‌ها پاسخ روشنی ارائه نداد



عکس سایت وزارت ارتباطات

اقدامات اعلام‌شده در تجربه روزمره اتصال به اینترنت دیده شود؟ انتشار منظم گزارش‌های کیفیت می‌تواند بخشی از این خلا را جبران کند، اما به شرط آنکه داده‌ها امکان مقایسه، ارزیابی عملکرد اپراتورها و تشخیص منشا اختلال‌ها را فراهم کند.

بخش دیگر پرسش «شرق» به سند ۳۲ بندی رفع فیلترینگ مربوط بود؛ سندی که در آن موضوع رفع محدودیت دسترسی به برخی پلتفرم‌های بین‌المللی نیز مطرح شده است. فتاحی در پاسخ گفت این سند در شورای عالی فضای مجازی تصویب شده و سازمان تنظیم مقررات و وزارت ارتباطات پیگیری اجرای بندهای آن را در دستور کار دارند. او از جمله به بندهای مرتبط با رفع محدودیت پلتفرم‌های بین‌المللی اشاره کرد، اما زمان مشخصی برای اجرای آنها اعلام نکرد. اهمیت این پاسخ در فاصله میان اعلام پیگیری و روشن‌شدن نتیجه است. وقتی یک سند رسمی برای تغییر وضعیت محدودیت‌ها وجود دارد، مطالبه عمومی صرفا دانستن این موضوع نیست که دستگاه‌ها آن را دنبال می‌کنند، بلکه مشخص‌شدن مسئول اجرای هر بند، موانع پیش‌رو و زمان‌بندی تحقق آن نیز اهمیت دارد. آن‌هم در شرایطی که کشور در شرایط جنگی است و به نظر نمی‌رسد رفع فیلتر از اولویت‌های دولت باشد. پاسخ فتاحی، دست‌کم در این نشست، حاوی زمان مشخصی برای رفع محدودیت‌ها نبود. بنابراین از سخنان او نمی‌توان نتیجه گرفت رفع فیلترینگ پلتفرم‌های مورد اشاره در موعد معینی انجام خواهد شد.

افزایش تعرفه؛ تصمیمی میان هزینه اپراتورها و توان کاربران

موضوع افزایش تعرفه اینترنت نیز از محورهای مهم نشست بود؛ تصمیمی که مستقیم بر هزینه دسترسی کاربران اثر می‌گذارد، اما هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. فتاحی گفت اپراتورها در مقاطع مختلف درخواست افزایش تعرفه را مطرح کرده‌اند و پیشنهادهای آنها نیز به رقم مورد بحث محدود نبوده است. بااین‌حال، به گفته او، رگولاتوری باید میان اقتصاد اپراتورها، امکان سرمایه‌گذاری در شبکه و حقوق مصرف‌کنندگان تعادل برقرار کند.

در این نشست، افزایش ۴۰ تا ۱۰۰ درصدی تعرفه به‌عنوان یکی از ارقام مطرح‌شده مورد اشاره قرار گرفت، اما فتاحی تأکید کرد که درباره آن هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده است. او این تعیین تعرفه باید با توجه به شرایط اقتصادی و معیشت مردم و در عین حال نیاز اپراتورها به تأمین منابع مالی برای توسعه شبکه انجام شود. همچنین تأکید کرد که افزایش احتمالی تعرفه باید با کنترل کیفیت و تعهدات مشخص اپراتورها همراه باشد.

این‌بخش از بحث، یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال سیاست تعرفه‌گذاری به مطالبه عمومی درباره کیفیت است. اگر افزایش قیمت با تعهدات قابل اندازه‌گیری و سازوکار ارزیابی همراه نباشد، مصرف‌کننده فقط با هزینه بیشتر روبه‌رو می‌شود، بی‌آنکه بداند در مقابل آن چه سطحی از خدمت دریافت خواهد کرد. فتاحی از لزوم میند افزایش تعرفه با کیفیت سخن گفت، اما در این نشست جزئیات نهایی این تعهدات یا سازوکار مشخص جبران خسارت کاربران در زمان اختلال تشریح نشد. در پاسخ به پرسش درباره حقوق مصرف‌کننده و کیفیت اینترنت، او بار دیگر بر ضرورت توسعه زیرساخت و پایش عملکرد اپراتورها تأکید کرد. این در حالی است که مطالبه کاربران فقط دسترسی به شبکه‌ای با ظرفیت بالاتر نیست؛ آنها انتظار دارند در صورت اختلال طولانی در دریافت خدمات پایت‌ر از سطح تعهدشده، مسیر روشنی برای پیگیری و پاسخ‌گویی وجود داشته باشد. فتاحی گفت سازمان تنظیم مقررات عملکرد اپراتورها را از طریق سامانه‌های نظارتی پیگیری می‌کند و نسبت به کوتاهی آنها بی‌تفاوت نیست، اما در این نشست توضیح مشخصی درباره سازوکار جبران خسارت یا الزام اپراتورها به عذرخواهی در برابر قطعی‌ها ارائه نکرد.

نسل پنجم و تعهدات اپراتورها

فتاحی توسعه نسل پنجم تلفن همراه را یکی دیگر از محورهای جبران عقب‌ماندگی شبکه دانست. به گفته او، برای توسعه این نسل، ۲۰۰ مگاهرتز طیف فرکانسی در اختیار اپراتورهای سیار قرار گرفته و تعهدات سالانه پوشش نیز در پروانه‌های آنها درج شده است. او پیش‌تر در همین نشست گفته بود برنامه توسعه اپراتورها رسیدن به پوشش ۲۵ درصدی نسل پنجم تا پایان سال راه‌هدف‌گذاری کرده است. رئیس سازمان تنظیم مقررات گفت این سازمان آمادگی دارد در صورت فراهم‌بودن شرایط، طیف فرکانسی بیشتری برای توسعه نسل پنجم اختصاص دهد. او همچنین از پایش تعهدات اپراتورها سخن گفت و تأکید کرد که توسعه شبکه باید متناسب با افزایش مصرف و نیازهای جدید کاربران پیش برود.

بااین‌حال، تحقق اهداف پوشش زمانی برای کاربران معنا پیدا می‌کند که دسترسی عملی به شبکه و کیفیت آن نیز بهبود یابد. همان‌طورکه در پروژه فیبر نوری، تعداد خانوارهای تحت پوشش با تعداد خانوارهای متصل تفاوت دارد، در توسعه نسل پنجم نیز اعلام پوشش باید در کنار شاخص‌های استفاده واقعی و کیفیت خدمت ارزیابی شود.

به دنبال راهی برای کاهش اختلال در GPS

در ادامه نشست حمید فتاحی، قائم‌مقام وزیر ارتباطات و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، در پاسخ به پرسشی درباره اختلالات GPS و تأثیر آن بر خدمات موقعیت‌یابی و کسب‌وکارها اعلام کرد: «یکی از موضوعات مهم در ارائه خدمات ارتباطی، تضمین تداوم خدمت‌رسانی است؛ به این معنا که اگر اپراتوری خدمتی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد، این خدمت نباید پس از مدتی به دلایلی مانند تحریم با اختلال مواجه شود». او با اشاره به ضرورت پیش‌بینی راهکارهای جایگزین در طراحی خدمات افزود که تداوم خدمت‌رسانی باید در همه لایه‌های خدمات مورد توجه قرار گیرد. به گفته فتاحی، اپراتورهای ارتباطی، به‌ویژه اپراتورهای تلفن همراه، در حال انجام اقدامات فنی و تجاری برای تحقق این هدف هستند و سازمان تنظیم مقررات نیز این روند را پیگیری می‌کند. فتاحی همچنین با اشاره به مصوبه جدید شورای عالی امنیت ملی درباره این موضوع خبر داد که این مصوبه چارچوب مشخصی برای دستگاه‌های مرتبط در این زمینه تعیین کرده است تا فعالیت‌های آنها با رعایت ملاحظات لازم و با کمترین اختلال در خدمات موقعیت‌یابی انجام شود.

استارلینک و الزام به رعایت مقررات سرزمینی

در بخش دیگری از نشست، موضوع اینترنت ماهواره‌ای استارلینک مطرح شد. فتاحی گفت ارائه‌دهندگان خدمات ماهواره‌ای برای فعالیت در قلمرو کشورها باید مقررات مربوط به آن کشور را رعایت کنند. او با اشاره به الزام اتحادیه بین‌المللی مخابرات در تنظیم مقررات ارتباطی، تأکید کرد که رعایت تعهدات سرزمینی از الزامات فعالیت ارائه‌ندگان این خدمات است و ایران نیز در این حوزه مقرراتی را تصویب کرده است. این موضع، تأکید رگولاتوری بر لزوم فرارگرفتن خدمات ماهواره‌ای در چارچوب مقررات ملی است؛ اما بحث درباره استارلینک در ایران صرفا به مقررات‌گذاری محدود نمی‌شود و با مسئله دسترسی کاربران به اینترنت و سیاست‌های محدودکننده نیز گره خورده است. در سخنان فتاحی، جزئیات تازه‌ای درباره مسیر اجرایی یا زمان‌بندی مشخص برای وضعیت این خدمات ارائه نشد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

آپارات

فقدان یک ربات

و تغییر معنای رابطه

شرق: فناوری قرار بود زندگی را آسان‌تر کند، اما با تغییر شیوه ارتباط انسان‌ها، پرسش‌های تازه‌ای در‌برابر صمیمیت، وابستگی و معنای رابطه به وجود آورده است. فیلم «بعد از یانگ» (After Yang)، ساخته کوکونادا در سال ۲۰۲۱، از همین زاویه به رابطه انسان و فناوری نگاه می‌کند؛ روایتی علمی-تخیلی که به‌جای تمرکز بر شورش ماشین‌ها یا تلاش هوش مصنوعی برای انسان‌شدن، سراغ تجربه فقدان و پیوندهای عاطفی می‌رود. داستان فیلم درباره خانواده‌ای است که یانگ، یک ربات انسان‌نما را در کنار خود دارند. یانگ برای کمک به خانواده و به‌ویژه میکا، دختر کوچک خانواده، در زندگی آنها حضور دارد؛ اما با از کار افتادن ناگهانی او، پدر خانواده تلاش می‌کند ربات را تعمیر کند. این تلاش به‌تدریج از یک مسئله فنی فراتر می‌رود و خانواده را با پرسش‌هایی درباره خاطره، هویت و رابطه‌ای روبه‌رو می‌کند که شکل‌گیری آن به حضور یک انسان محدود نیست. «بعد از یانگ» اقتباسی از داستان کوتاه «خداحافظی با یانگ» نوشته الکساندر واینستاین است. کوکونادا، نویسنده و کارگردان کروی‌اتسار، پیش از ساخت فیلم‌های بلند، به مقاله‌های ویدئویی و تحلیل‌های بصری درباره سینما شناخته شد. آثار او درباره فیلم‌سازی مانند استنلی کوبریک و وس اندرسون و نیز جریان‌های سینمایی، توجه علاقه‌مندان سینما را جلب کرد. نخستین فیلم بلند داستانی او، «کلمبوس»، در سال ۲۰۱۷ ساخته شد؛ اثری که مانند «بعد از یانگ» با تأکید بر قاب‌بندی، سکوت و جزئیات روزمره، رابطه انسان‌ها را در مرکز روایت قرار می‌دهد. کوکونادا در «بعد از یانگ» دیدال ایجاد تعادل میان سآختر سینمایی و احساس است. او در گفت‌وگو با گاردین بر اهمیت ارتباط عاطفی در تجربه سینما تأکید کرده و گفته است صرفا به دنبال طرح یک ایده فکری نیست؛ او می‌خواهد با مخاطب ارتباط برقرار کند و احساس را به تجربه نمایشی فیلم زنده نگه دارد. این رویکرد در نگاه او به هوش مصنوعی نیز دیده می‌شود. کوکونادا در گفت‌وگو با مجله AnOther درباره تأثیر آثار علمی-تخیلی بر فیلمش صحبت کرد و از «وست‌ورلد» (Westworld) و «اکس ماشین» (Ex Machina) به‌عنوان آثاری یاد کرده است که نمی‌تواند تأثیرشان را بر نگاه خود نادیده بگیرد. به این حال، مسیر روایی «بعد از یانگ» با بسیاری از داستان‌های رایج این ژانر تفاوت دارد. یانگ در پی تبدیل‌شدن به انسان نیست و از هویت خود به عنوان یک هوش مصنوعی نابود به نظر نمی‌رسد. او در خدمت خانواده است و رابطه‌اش با میکا، یکی از محورهای اصلی فیلم را شکل می‌دهد. برای کوکونادا، همین رابطه اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. فیلم به‌جای آنکه با مخاطب بخوهد صرفا درباره امکان آگاهی ماشین‌ها یا مرز میان انسان و هوش مصنوعی فکر کند، او را با پرسشی عاطفی مواجه می‌کند: برای احساس فقدان یک موجود، تا چه اندازه باید با رابطه برقرار کرده باشیم؟ به این ترتیب، غم از دست‌دادن یانگ نه از انسان‌بودن او، بلکه از جایگاهی ناشی می‌شود که در زندگی دیگران پیدا کرده است. «بعد از یانگ» از این منظر، فیلمی درباره فناوری و به‌تنهایی نیست؛ درباره رابطه‌هایی است که در دل زندگی روزمره شکل می‌گیرند و معنای آنها فقط پس از فقدان آشکار می‌شود. از کار افتادن یانگ، خانواده را وادار می‌کند به حضور او در زندگی‌شان و خاطراتی که با او ساخته‌اند، دوباره نگاه کنند. آنچه در ابتدا مسئله‌ای برای تعمیر و اندوه تبدیل می‌شود، تجربه‌ای که مرز میان کارکرد یک ابزار و معنای عاطفی بر احساس، در واکنش شماری از مخاطبان نیز بازتاب داشته است. برای برخی از تماشاگران، جذابیت فیلم بیش از آنکه در گره‌های داستانی یا پیچیدگی‌های جهان علمی-تخیلی آن باشد، در تأملی است که درباره انسان‌بودن، پیوند و فقدان ایجاد می‌کند. فیلم به‌جای پاسخ‌دادن مستقیم به پرسش‌هایش، فرصت می‌دهد مخاطب در سکوت‌ها و جزئیات، معنای رابطه میان شخصیت‌ها را دنبال کند. «بعد از یانگ» علاوه بر توجه مخاطبان، در جشنواره‌ها و محافل سینمایی نیز مورد استقبال قرار گرفت و نامزدی‌ها و جوایزی به دست آورد. با این حال، اهمیت فیلم را نمی‌توان فقط با شمار جوایز آن سنجید.